

### Abstract

International human rights law provides standards that cover topics ranging from health, education, housing and labor standards to political participation, fundamental freedoms and personal security, the administration of justice and non-discrimination. These issues are basically related to development. Everyone has a right to participate in economic, social, cultural, and political development, as well as to benefit economically, socially, culturally, and politically. This study will try to examine the relationship between human rights and development. What is the relationship between human rights and development, and how do they influence one another? Human rights and development are interconnected because common concepts can boost the positions and roles of various groups, and as human rights increase, development is improved.

**Keywords: Human Rights, Development, United Nations, International Law, Right to Development**

### بررسی رابطه حقوق بشر و توسعه

سحر سجادیان<sup>۱</sup> محمدحسن الهی منش<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

### چکیده

حقوق بین‌الملل حقوق بشر استانداردهایی را ارائه می‌کند که طیفی از موضوعات از بهداشت، آموزش، مسکن و استانداردهای کار گرفته تا مشارکت سیاسی، آزادی‌های اساسی و امنیت شخصی، اجرای عدالت و عدم تبعیض را پوشش می‌دهد. این مسائل اساساً با توسعه مرتبط است. حق توسعه یک حق مسلم بشری است که به موجب آن هر انسان و همه مردم حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت، مشارکت داشته باشند و از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار شوند. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا رابطه بین حقوق بشر و توسعه را مورد واکاوی قرار گیرد و پرسش اصلی این است که چگونه بین پیوند حقوق بشر با توسعه رابطه برقرار شده و چه تاثیری بر یکدیگر دارند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حقوق بشر و توسعه با توجه به مفاهیم مشترکی که در خصوص افزایش جایگاه و نقش افراد و اقشار مختلف می‌توانند داشته باشند به یکدیگر مرتبط بوده و هرچقدر حقوق بشر افزایش یابد بر میزان توسعه نیز تاثیر مثبت می‌گذارد.

**واژگان کلیدی: حقوق بشر، توسعه، سازمان ملل، حقوق بین‌الملل، حق توسعه**

<sup>۱</sup> استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

Elahimanehm@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران (نویسنده مسئول)

Sajjadian.sahar@yahoo.com

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سه سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد و اعلامیه جهانی حقوق بشر که هدف آن برقراری تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم بود در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید. بر اساس اسناد حقوق بشر، معیارهایی چون عدالت، عدم تبعیض، مشارکت، پاسخگویی و شفافیت در حیطه حقوق بشر قرار دارد که می‌خواهد هر فعالیتی به شیوه ای مبتنی بر این حقوق انجام شود. در این میان حق توسعه، ادعایی مبتنی بر حقوق است. باید گفت از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر (اعلامیه جهانی) در سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۶ که میثاق سازمان ملل در مورد حقوق مدنی و سیاسی امضا شد و سازمان ملل دموکراسی را تأیید کرد این اقدام کلی و انتزاعی از دموکراسی ارتباط چندانی با اظهارات سازمان ملل در مورد توسعه نداشت. بعلاوه سازمان ملل متحد زمینه‌ی این بحثها را از سال ۱۹۵۵ که کشورهای اقتدارگرا کمونیست و در حال توسعه به استانداردهای دموکراتیک انتزاعی رأی داده بودند بدون وجود جزئیات اجرای آنها تا تاریخ معینی یا الزامی همراه بود؛ بنابراین، سازمان ملل در مورد توسعه در دهه ۱۹۷۰ شروع به تغییر کرد و تا سال ۱۹۸۶ اعلامیه مجمع عمومی در مورد حق توسعه (اعلامیه توسعه) از مشارکت فعال، آزاد و معنادار افراد در توسعه صحبت کرد. بدین ترتیب نه تنها حقوق بشر بلکه توسعه به صورت مشخص مورد توجه این سازمان قرار گرفت. به نظر برخی توسعه جریانی چندبعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است.

با در نظر گرفتن پیوند حقوق بشر و توسعه باید گفت محتوای حق توسعه در پرتو حقوق بشر به سبب وجود اشتراکات یا تأثیرات متقابلی که بر یکدیگر دارند به رسمیت شناخته شده و مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است تا آن را به صورت عملیاتی تفسیر می‌کند. با توجه به نیاز به تقویت مباحث بنیادین حقوق بشر و توسعه این پژوهش گردآوری شده به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه بین پیوند حقوق بشر و توسعه رابطه برقرار شده و آن‌ها چه تاثیری بر یکدیگر دارند؟ در ادامه به بررسی مفهوم حقوق بشر و ابعاد آن، توسعه و ابعاد آن و در نهایت مباحث رابطه بین هر دو مورد توجه قرار خواهد گرفت. فرضیه مقاله این است که مبانی حقوق بشر و توسعه به جایگاه افراد در کنار دولت توجه ویژه داشته و از این رو دارای مبانی نظری مشترکی است به نحوی که امروزه رسیدن به توسعه با در نظر گرفتن حقوق بشر یک امر دشوار بوده چراکه با توجه هر دو مقوله به افراد انسانی و جایگاه آن‌ها در ساختار اجتماعی راه تقویت توسعه جدای از توجه به حقوق بشر نبوده و رابطه متقابلی بین این دو وجود دارد.

## حقوق بشر

در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ منشور ملل متحد در سانفرانسیسکو در پایان کنفرانس ملل متحد به امضاء رسید و در ۲۴ اکتبر همان سال لازم الاجرا گردید. بر اساس منشور مزبور سازمانی بین‌المللی به نام سازمان ملل متحد به عنوان مرکزی جهت هماهنگی اقداماتی در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، جلوگیری از جنگ و تجاوز، توسعه روابط دوستانه و

احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تأسیس شد. پس از تشکیل سازمان ملل، بنا به پیشنهاد کمیسیون تدارکاتی سازمان (که مأمور تهیه و تشکیل ارکان اصلی سازمان بود) و تصویب مجمع عمومی، شورای اقتصاد اجتماعی «کمیسیون حقوق بشر» را تشکیل داد. مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ به کرامت انسانی و حقوق متساوی برای کلیه آحاد بشر به‌عنوان پایه‌های اساسی آزادی، عدالت و صلح در جهان اشاره دارد. اگرچه هدف عمده نویسندگان اعلامیه مشخص کردن حقوق ضروری و آزادی‌های اساسی انسان طی یک میثاق رسمی بین‌المللی بوده است تا همواره حقوق و وظایف اعضای جامعه جهانی را برای آن‌ها یادآوری نماید؛ اما لحن و کلام اعلامیه فاقد قاطعیت لازم برای ملزم ساختن کشورها بود. بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر را موظف کرد تا تهیه میثاق حقوق بشر و مکانیسم اجرایی آن را در دستور کار خود قرار دهد. به دنبال بحث و مناقشات زیاد سرانجام در سال ۱۹۶۶، بعد از قریب به بیست سال مذاکره مستمر و پرهیجان دو سند مهم بین‌المللی به‌صورت عهدنامه درباره حقوق بشر تنظیم شد که عبارت بودند از: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی فرهنگی که مفاد آن‌ها در واقع تکرار اعلامیه جهانی حقوق بشر است که به قواعد الزام‌آور حقوق تبدیل شده است (نادر پور و مقصودی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

سازمان یونسکو که در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ در لندن امضاء شده است. مقاله نامه شکنجه و سایر اعمال سبعانه و مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۹۸۴) و نیز سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (۱۹۷۵) که با تکیه بر ضرورت التزام دولت‌ها به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از کرامت بشری به‌عنوان منبع حق یاد می‌کنند. یکی از جمله مهم‌ترین توافقنامه‌ها اعلامیه و برنامه عمل وین ۱۹۹۳ می‌باشد که جهان‌شمولی حقوق را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این اعلامیه از مجمع عمومی سازمان ملل خواسته شده بود که مسئله تأسیس نهادی به نام «کمیساریای عالی حقوق بشر» را در دستور کار خود قرار دهد که مجمع عمومی در چهل و هشتمین اجلاس خود آن را تصویب کرد و تأسیس شد. همچنین باید از «پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» نام برد؛ که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ از سوی مجمع عمومی تصویب و از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا گردید. این پروتکل به این منظور تنظیم شده است که به کمیته حقوق بشر اجازه و صلاحیت رسیدگی به شکایات افراد از دولت‌ها مبنی بر نقض حقوق مقرر در میثاق از سوی دولتهایشان داده شود (پیشین، ۱۳۰). تمامی افراد بشر در حقوق معنوی خود به‌صورت ذاتی آزاد زاده شده و دارای کرامت و حقوق برابر با یکدیگر می‌باشند. این حقوق، سلب‌ناپذیر است و متناسب با قواعد حقوقی رایج در جوامع ملی مختلف و بین‌المللی است که رضایت حکومت شوندگان یعنی افراد صاحب حق در آن لحاظ گردیده است. در حقوق بشر، آزادی‌هایی وجود دارد که تمامی انسان‌ها بدون هیچ‌گونه تبعیضی، به‌ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، ثروت، عقیده سیاسی و یا هر عقیده دیگر به‌طور مساوی و برابر بهره‌مند هستند. بر این اساس، افراد بشر دارای حق و تکلیف بوده و حقوق آن‌ها در ارتباط با دیگران معنی می‌یابد. به عبارتی حقوق افراد را در زندگی اجتماعی آن‌ها باید جستجو کرد و آن‌ها از یک حقوق بشری واحد که دربرگیرنده حقوق ذاتی و طبیعی آن‌هاست می‌باید بهره‌مند گردند. قوانین حقوق بشری فرمولی است که انسان‌ها با به‌کارگیری آن در زندگی اجتماعی

به کرامت انسانی خود می‌رسند و بر این اساس، حقوق بشر، حقوقی بنیادی و انتقال‌ناپذیر است و برای بقای بشر ضروری می‌باشد. (ساجدی ۱۳۹۵: ۵۵).

اعلامیه جهانی حقوق بشر شماری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به رسمیت می‌شناسد و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منبع اصلی قانونی بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بسیاری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برخی از مواد کنوانسیون‌های حقوق بشری مانند پیمان‌نامه حقوق کودک - کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی - کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه اشخاص دارای ناتوانی به تفصیل توضیح داده شده است. حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق‌هایی هستند که دولت‌ها برای تحقق آن‌ها صرفاً متعهد به وسیله می‌باشند و نه نتیجه. عموم حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزء حقوق موضوعه محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup> بسیاری از اسناد حقوق بشر به عنوان گسترش دهنده اعلامیه جهانی سازمان ملل درباره حقوق بشر (۱۹۴۸) شکل گرفته‌اند؛ از جمله:

میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی (۱۹۶۶)؛

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (۱۹۶۶)؛

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۴)؛

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸)؛

منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۶)؛

اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام (۱۹۹۰)؛

اعلامیه سازمان ملل راجع به حق بر توسعه (۱۹۸۶)؛

کنوانسیون علیه شکنجه یا سایر مجازات‌ها یا رفتارهای غیرانسانی بی‌رحمانه؛

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛

کنوانسیون حقوق کودک؛

گرچه تمامی این اسناد وجود دارند، ولی هنوز هم نقض گسترده‌ی حقوق بشر در دنیا جریان دارد، هم در درون و هم بین حکومت‌ها. علت این «شکاف تبعیت» عوامل مختلفی از جمله اولویت دادن به حقوق سیاسی و مدنی از سوی غرب است (ابو صدیق منسرای، ۱۳۸۶: ۶۳ و ۶۴ و ۶۵).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز قطعنامه‌های متعددی در زمینه حق بر توسعه در فاصله زمانی سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ میلادی به تصویب رساند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:  
الف) قطعنامه شماره ۵۳/۱۵۵ مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۹۹ که در یک مقدمه و ۲۵ بند تدوین شده است.

<sup>۱</sup> برای توضیحات بیشتر بنگرید به: الن روساس، کاتارینا کراوزه، آسیبورن ایده، (۱۳۹۲)، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (گزیده مقالات به‌ضمیمه اسناد)، مترجم: حمید قنبری، تهران: انتشارات مجلد، ج ۲، ص: ۲۳

ب) قطعنامه شماره ۵۴/۱۷۵ مورخ ۲۵ فوریه ۲۰۰۰ که حاصل کار نشست پنجاه و چهارم مجمع عمومی بوده است.  
ج) قطعنامه شماره ۵۵/۲۷۹ مورخ ۱۲ جولای ۲۰۰۱ که به اعلامیه بروکسل معروف است و برنامه اقدام برای کشورهای کمتر توسعه یافته برای سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ که بوسیله کنفرانس سوم ملل متحد راجع به کشورهای کمتر توسعه یافته تصویب شد.

د) قطعنامه شماره ۵۶/۱۵۰ مجمع عمومی مورخ ۸ فوریه ۲۰۰۲ که در نشست پنجاه و ششم و براساس گزارش کمیته سوم تصویب شد. کلیه قطعنامه های فوق در زمینه حق بر توسعه تصویب شده اند و در شناخت دامنه، محتوا و مفهوم حق مزبور کمک شایانی مینمایند. علاوه بر این قطعنامه ها، قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۶۹ کمیسیون حقوق بشر، اعلامیه هزاره سازمان ملل، اعلامیه نشست جهانی برای توسعه اجتماعی (اعلامیه کپنهاگ) و بیانیه دوربان از جمله اسناد دیگری هستند که به طور مختصر به موضوع حق بر توسعه اشاره نمودند (رضایی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۸).

در عصر جدید حقوق سیاسی به عنوان شاخه ای از حقوق بشر یا حقوق شهروندی ریشه در دوران روشنگری و آثار افرادی چون هابز، روسو، لاک و... دارد. اگرچه برخی ریشه این حقوق را در دوران یونان باستان و در آثار افلاطون و ارسطو یافته اند؛ اما در دوران جدید برای اولین بار هابز در لویاتان معروف خود مبحث شهروندی و حقوق آن را مطرح نمود. شهروندی در معنای مدرن آن متشکل از سه نوع حقوق اساسی می باشد: حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی (نش، ۱۳۹۵: ۱۹۰). همچنین، در خصوص رابطه بین سیاست خارجی و حقوق بشر سه حوزه قابل بیان است: نخست فراگیر شدن تدریجی هنجارهای حقوق بشری در جامعه بین المللی؛ دوم چالش حاکمیت دولت ها توسط معیارهای بین المللی حقوق بشری؛ سوم رابطه متقابل حقوق بشر با توسعه، صلح و امنیت بین الملل است (سجادپور و محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۸). امروزه حقوق بشر در روابط بین الملل از هویت فزاینده ای برخوردار است.

### ویژگی های حقوق بشر

در بحث از جهان شمولی حقوق بشر، سه الگوی نظری متفاوتی در این خصوص وجود دارد که هر یک برداشت خاصی از جامعه بین المللی و نقش آن در حقوق بین المللی دارند: موضوعی در شمول صلاحیت یکی، الگوی دولت گرایی سنتی است که حقوق بشر را اساسا ملی در نظر می گیرد؛ دوم الگوی جهان گرا یا جهان وطنی که افراد را بر دولت ها ترجیح می دهد و اغلب دولت ها را مشکل آفرین تلقی میکند و سوم، الگوی بین الملل گراها که شکل گیری اجماع راجع به هنجارهای حقوق بشر بین المللی را مورد تأکید قرار می دهند و بدون اینکه تداوم نقش محوری دولت ها را نفی کنند، بر جامعه بین المللی دولت ها تأکید دارند. الگوی بین الملل گراها، تاندازه ای درست ترین توصیف از جایگاه حقوق بشر را در روابط بین الملل معاصر ارائه می دهد؛ اما بهترین شیوه برخورد با حقوق بشر در روابط بین الملل نیست. با وجود این، واقعیتی که ما با آن روبه رو هستیم واقعیت حاکمیت مستقل و قابل ملاحظه دولت ها است که با محدودیت های قابل قبولی در جامعه بین المللی دولت ها ریشه دوانیده است (فروغی نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۸). با این حال می توان گفت حقوق بشر ویژگی هایی دارد که آن را فراتر از الگوی ملی نیز قرار داده است چرا که صاحب نظران معتقدند

دولت‌هایی که انواع جنایات خود را توجیه می‌کنند باید پاسخگویی رفتار خود باشند. در ادامه ویژگی‌های حقوق بشر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

### ۱- جهان‌شمولی

جهان‌شمولی حقوق بشر از اصل برابری و وحدت و یگانگی بشر ایجاد شده و سرچشمه گرفته است. چون هیچ انسانی را بر دیگری برتری نیست لذا همه افراد صرف نظر از اینکه در کجای قلمرو زمین خاکی هستند و در چه زمانی زندگی می‌کنند از این حقوق برخوردار می‌گردند. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق‌ها در پیوند با حیثیت و کرامت انسانی صرف نظر از وابستگی نژادی، سرزمینی، مذهبی و جنسی و همانند آن مطرح می‌شود. در ماده یک این اعلامیه بیان گردید: «همه انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و در حیثیت و حقوق باهم برابر هستند که اصل پایه‌ای جهان‌شمولی حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته است» (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۵: ۱۰۳). تصویر دیگر موضوع ناظر به رویکرد وضعی این جنبه و ویژگی حقوق بشر می‌باشد. جهان‌شمولی حقوق بشر دستاورد اجماع جامعه جهانی به این حقوق است؛ یعنی اتفاق نظر دولت‌های جهان با تصور گوناگونی فرهنگ‌ها و تدارکات و ایجاد اسناد حقوق بشر می‌باشد. پس نمی‌توان حقوق بشر را ایده غربی و تصور غرب از حقوق بشر تلقی نمود (ذاکریان، پیشین: ۵۲). البته موضوع جهان‌شمولی و طبیعت جهان‌شمولی حق‌ها و آزادی‌های اساسی در برنامه عمل این مصوب ۱۹۹۳ نیز پیش‌بینی و بر آن تاکید شده است.

### ۲- مطلق بودن

در نظام حقوقی وضعی، حق پدیده‌ای اجتماعی و تابع سرشت محیط خود می‌باشد. در حالی که در مورد حقوق بشر با توجه به گفتمان حقوق طبیعی موجود و مبنا قرار گرفتن آن، حقوق بشر پدیده‌ای اجتماعی و تابع محیط پیرامون خود خواهد بود و محدودیت‌ها و انحراف از آن جزء در موارد محدود و توجیه شده آن‌هم برای زمان کوتاه و نیز جهت عدم تضییع به حقوق دیگران مجاز نخواهد بود. مفهوم مطلق بودن در اینجا از مفهوم جهان‌شمولی مجزا است. به استثنای تعداد بسیار محدودی از حق‌ها، حقوق بشر مقید به قیودی هستند. با این وجود و علی‌رغم این نکته حقوق بشر همچنان که ذکر شد محدودیت و قیودی که می‌توان اعمال نمود ناظر به حقوق غیر بنیادین بوده که با ایجاد محدودیت با توجه به شرایط آن، بر کرامت و تمامیت انسان آسیب وارد نسازد.

### ۳- سلب ناپذیری

توجه به اینکه سلب حقوق بشر امکان‌پذیر است پس بایستی این حقوق توسط راه کارهای مناسبی همانند آموزش حقوق بشر در ابعاد مختلف و ایجاد ضمانت‌های اجرایی مناسب و التزام دولت‌ها به احترام و ترویج آن‌ها به یک جایگاه و الا در منظر همگان ارتقاء داده شود تا اینکه همگان خود را در برابر یکدیگر مکلف به رعایت و احترام به حقوق و آزادی‌ها بدانند. با این کار مشخص و واضح است که این حقوق را مشخص یا فرد یا گروهی به نوع بشر اعطاء ننموده تا قابلیت سلب آن را داشته باشند (فریدن، ۱۳۸۲: ۴۴). حقوق بشر مشمول مرور زمان نیست و جامعه

توانایی سلب و اعمال محدودیت آن جز در مواردی آن‌هم به جهت حفظ حقوق تمام افراد در موارد حقوق غیر بنیادین، نخواهد داشت. کما اینکه با تصویب هیچ قانونی نمی‌توان حق افراد را در مورد مصونیت آنان از شکنجه و سلب حیات نادیده و باطل اعلام نمود (خدیمی و فعال، ۱۴۰۰: ۲۷-۲۶).

### نسل‌های حقوق بشر

حقوق بشر نیز مانند هر نظام حقوق دیگر قواعد مقررات و هنجارهایی دارد که بایستی به تحولات اجتماعی زمان و تحولات فکری و فرهنگی تغییر یابد تا بتواند از عهده تنظیم روابط خصوصاً تکالیف و ضمانت اجرای تعهدات به اجرای موازین حقوق بشر برآید. جهت گذر زمان و تغییر ماهیت حقوق بشر، تدوین قواعد جدید حقوقی با دقت بسیار زیاد روزافزون گذشته و در هر مقطع زمانی به گونه‌ای متفاوت متجلی شده و باعث نسل بندی انواع حقوق بشر شده است (لوسین زهادی، ۱۳۸۳: ۲۱۷)؛ که امروزه سخن از نسل‌های سه گانه حقوق بشری است. در ادامه به بررسی نسل‌های حقوق بشر و روند تکمیل آن پرداخته خواهد شد.

### نسل اول حقوق بشر

حقوق مندرج در نسل اول بر محور آزادی می‌چرخند و در حقیقت همان حقوق مدنی و سیاسی می‌باشند که بر آزادی‌های مدنی شهروندان تأکید می‌کنند. این حقوق که اساساً حقوق افراد در برابر دولت‌ها است و آزادی آن‌ها را در برابر دولت‌ها تضمین می‌کند، در ضمن اعلامیه‌های حقوق در قرن ۳ معرفی شد و به صورت فزاینده در متون قانونی داخل گردید و اساس هجده دموکراسیهای لیبرال را تشکیل داد (سرامد و پژمان، ۱۳۹۵: ۵۴). نسل اول حقوق بشر ضامن امنیت و آزادی انسان در مقابل قدرت عمومی و دیگر افراد است. آزادی رفت و آمد، حق حیات، رهایی از شکنجه و دادرسی عادلانه از جمله آن‌ها است. این نسل از حقوق همچنین امکان مشارکت افراد در اداره امور سیاسی را فراهم می‌نماید و با برخورداری آن‌ها، رشد فردی و اجتماعی فرد در جامعه ممکن می‌گردد. به این ترتیب آزادی اندیشه، بیان، آزادی اجتماعات و تشکل‌ها و همچنین حقوق و آزادی‌های سیاسی و انتخاب حاکمان از طریق انتخابات آزاد از جمله حقوق نسل اول است (هاشمی، پیشین: ۱۶۱).

### نسل دوم حقوق بشر

حقوقی که در نسل دوم حقوق بشر دسته‌بندی شده‌اند، معطوف به اصل برابری اند و در واقع همان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند که بر برخورداری مساوی و شایسته شهروندان از خدمات دولت تأکید می‌کنند. تحولات اجتماعی و اقتصادی در جریان قرن نوزده و نیمه اول قرن بیستم در اروپا، حقوق نسل اول را برای پاسخ گفتن به مطالبات انسان‌ها روشن ساخت و باعث شد که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند حق کار و حق آموزش از متن آن تحولات پدیدار شوند. این حقوق به‌ویژه توسط ایدیولوژیهای سوسیالیستی مطرح شد و بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) در سیستمهای حقوقی کشورها به عنوان اصول قانونی درج گردید. مراحل اساسی توسعه قانونی

شدن این حقوق، درج آنها در قوانین اساسی مکزیک در ۱۹۱۷، قانون اساسی آلمان (جمهوری وایمار) در ۱۹۱۹ و قانون اساسی اتحاد شوروی در ۱۹۳۶ بود. بعداً این حقوق، در کنار حقوق نسل اول، در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز درج گردید (سرامد و پژمان، ۱۳۹۵: ۵۴). مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق ۱۹۶۶ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در یک مقدمه و ۳۱ ماده از جمله مهم ترین اسنادی هستند که به ذکر این حقوق پرداخته است. این حقوق به تعبیر هنری شو، به حقوق مثبت نام گذاری شده و بیشتر دارای معنایی ایجابی می باشد. لازمه این گونه تعبیر، تکلیف و تعهد دولت ها به تدارک وسائل در حد توان موجود است (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۵: ۶۲).

### نسل سوم حقوق بشر

شرایط و تحولات بعد از جنگ جهانی دوم، از بین رفتن رقابت های بلوک شرق و غرب و نیز فعالیت بیش از پیش کشورهای در حال توسعه، تولد و تکوین نسل سوم حقوق بشر را در اواخر سال ۱۲۱۴ به همراه داشت (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۶۳). حقوق نسل اول و نسل دوم هر دو حقوق فردی اند و به افراد انسانی، صرف نظر از تعلقات آنها به گروه های اجتماعی، تعلق دارند؛ اما تحولات گسترده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سطح جهان بعد از جنگ جهانی دوم و به ویژه در دوران جنگ سرد و مطرح شدن مسایل مهمی همچون آلودگی هوا و تخریب محیط زیست مشخص شد که با صرفاً با حقوق آزادی و برابری برای افراد نمی توان به مطالبات انسان ها در جهان جدید پاسخ گفت. مسئله از این جانشی میشود که بعضی از مطالبات انسان ها را نمی توان به صورت حقوق فردی تعریف کرد. مثال صلح، بهداشت محیط زیست و حاکمیت ملی را حق چه کسی باید تعریف کرد؟ روشن است که این حقوق را نمی توان به افراد انسانی متعلق دانست. پس آیا جوامع و گروه های انسانی، به حیث گروه یا جامعه، مستحق حقوقی شناخته می شوند یا نه؟ (سرامد و پژمان، ۱۳۹۵: ۵۵).

این حقوق در ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می کند که هر فردی حق دارد از نظم اجتماعی و بین المللی ای برخوردار باشد که حقوق اعلام شده در این اعلامیه بتواند در چارچوب آن نظم به طور کامل محقق شود.

نسل سوم حقوق بشر شامل شش حق ادعا شده است:

۱. حق تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی.
۲. حق بر توسعه اقتصادی و اجتماعی.
۳. حق سهم شدن در «میراث مشترک بشریت» و بهره مندی از آن (منابع زمینی - فضایی مشترک، سایر اطلاعات و پیشرفت های فنی و علمی و آثار تاریخی، اماکن و سنت های فرهنگی)؛
۴. حق برخورداری از صلح؛
۵. حق برخورداری از محیط زیست سالم و پایدار؛
۶. حق برخورداری از کمک های بشردوستانه به هنگام وقوع بلایا؛



تمام شش حق مذکور، به عنوان حقوق جمعی یا همبستگی مطرح شده‌اند که مستلزم تلاش‌های مشترک همه نیروهای اجتماعی هستند. شایان ذکر است که هر چند نسل بندی حقوق بشر در گذر زمان و بروز تحولات اجتماعی و پویایی عرصه بین‌المللی اتفاق افتاده است ولیکن در این قالب می‌توان بهتر مسئولیت‌های افراد و گروه‌ها و نیز راه حل‌های بین‌المللی و داخلی جهت تدارک و حفاظت از این حقوق را معین نمود. چنانکه هم‌اکنون شاهد بروز نسل چهارم حقوق بشر با مصادیقی از قبیل حق بر شبیه‌سازی انسان، حق تغییر جنسیت، حق سقط جنین، حق پیوند اعضاء و حق بر لقاح مصنوعی می‌باشیم (اعلامیه جهانی حقوق بشر).

حمایت از زنان، کودکان، معلولین و سالخوردگان در جنگها در طول تاریخ بشر بوده است اگرچه مذهب نیز خود به ارائه چارچوب‌هایی در زمان جنگ پرداخته اما مقررات آن تا اواسط قرن نوزدهم وارد حقوق موضوعه نشد. در فرمان کروش نیز حق آزادی و امنیت، آزادی تحرک، حق مالکیت برخی حقوق اقتصادی و اجتماعی به رسمیت شناخته شد (عسگر خانی، ۱۳۸۸: ۲۲۰). در نیمه قرن دوم نوزدهم هانری دونال<sup>۱</sup> که شاهد جنگ خونین سولفارینو<sup>۲</sup> بود کمیته ژنو را در ۱۸۶۳ بنیان نهاد که از ۱۸۸۰ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مینامند. در سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ کنفرانس‌های صلح تشکیل شد که به قواعد جنگی اشاره شد و مقرر شد که متخاصمین حق استفاده از هر سلاحی برای انهدام دشمن ندارند. در سال ۱۹۲۵ ممنوعیت به‌کارگیری گازهای حفه‌کننده، سمی یا مشابه تصویب شد و در ۱۹۸۰ محدودیت بکارگیری سلاح‌های کلاسیک با تخریب فوق‌العاده اشاره شد (موسی زاده، ۱۳۹۱: ۸۷-۸۶). مسئله‌ای که وجود دارد از سال ۱۹۲۹ کلیه دولت‌ها اعم از عضو و غیر عضو کنوانسیون بشردوستانه باید به مفاد کمیسیون پایبند باشند و در ۱۹۴۹ کمیسیون ژنو تاکید شد. چهار کنوانسیون در خصوص بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران قوای نظامی، بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران و غرق‌شدگان نیروی نظامی در دریاها، رفتار با اسرای جنگی و حمایت از افراد غیر نظامی در جنگ بود که به غیر از گروه‌های مردم شامل شورشیان و نیروهای پارتیزانی هم می‌شد. در ماده ۳ قواعد حقوق بشردوستانه توسط متخاصمین در جنگهای داخلی مورد تاکید است (ر.ک همان: ۸۸). در ۱۵ دسامبر ۱۹۴۶ با تاسیس سازمان بین‌المللی پناهندگان و در سال ۱۹۵۱ با جایگزینی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد پناهندگان به‌جای آن و قطعنامه مجمع عمومی در همین سال از سال ۱۹۵۴ لازم‌الاجرا شد و پروتکلی در ۱۹۶۷ به امضای دولت‌ها رسید. جنایت علیه بشریت طبق توافق‌نامه لندن ۸ اوت ۱۹۴۵ و طبق آیین‌نامه دادگاه نورنبرگ رفتار جنایتکارانه شناخته شد که بکارگیری انسانها به عنوان برده و هر عمل علیه ملت‌ها به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی است. (همان: ۹۶).

علاوه بر میثاق‌های مندرج در منشور بین‌المللی حقوق بشر، سازمان ملل متحد بیش از ۲۰ معاهده اصلی را برای تشریح بیشتر حقوق بشر به تصویب رسانده است. اینها شامل کنوانسیون‌هایی برای جلوگیری و ممنوعیت سوء استفاده‌های خاص مانند شکنجه و نسل‌کشی و حمایت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه مانند پناهندگان (کنوانسیون مربوط به

<sup>1</sup> Hanry Dunan

<sup>2</sup> Solfarino

وضعیت پناهندگان، ۱۹۵۱)، زنان (کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، ۱۹۷۹) است؛ و کودکان (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹).

از سال ۱۹۹۷، ایالات متحده فقط این کنوانسیون‌ها را تصویب کرده است: کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، کنوانسیون حقوق سیاسی زنان، کنوانسیون برده‌داری ۱۹۲۶، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز؛ در اروپا، قاره آمریکا و آفریقا، اسناد منطقه‌ای برای حمایت و ارتقای حقوق بشر، منشور بین‌المللی حقوق بشر را گسترش می‌دهد. به عنوان مثال، کشورهای آفریقایی منشور حقوق بشر و مردم (۱۹۸۱) خود را ایجاد کرده‌اند و کشورهای مسلمان اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام (۱۹۹۰) را ایجاد کرده‌اند. تغییرات چشمگیر در اروپای شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین از سال ۱۹۸۹ به شدت بیانگر افزایش تقاضا برای احترام به حقوق بشر است (Flowers, 2021).

## توسعه

واژه توسعه در لغت به معنای خروج از لفاف است. لفاف همان جامعه‌ای سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند. مایکل تودارو معتقد است که توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه‌ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و از بین بردن فقر مطلق است، دانست. توسعه در اصل باید نشان دهد که جامعه از حالت نامطلوب گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد (موسوی رکعتی، ۱۳۹۹: ۹۷). مایکل تودارو توسعه را جریانی چندبعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. از دیدگاه وی، توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. دادلی سیرز نیز توسعه را جریانی چندبعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. به اعتقاد وی، توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و عقاید مردم است؛ آمارتیا سن، توسعه را به‌عنوان یک فرایند بسط و گسترش آزادی‌های واقعی مردم تلقی می‌کند که خود آن آزادی‌ها به تعیین‌کننده‌های دیگری همچون ترتیبات اجتماعی و اقتصادی، حقوق مدنی و سیاسی، صنعتی شدن، پیشرفت تکنولوژیک و نوسازی اجتماعی بستگی دارد. وی جنبه محوری داشتن آزادی در فرایند توسعه را به دلایل ارزش‌گذارانه و کارآمدی می‌داند و عاملیت آزاد افراد و تواناسازی و تحقق قابلیت‌های افراد و آزادی سیاسی و کیفیت زندگی را در این راستا بسیار مهم ارزیابی می‌کند (عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۹: ۴).

به طور کلی مهم-ترین ویژگی‌های توسعه حق محور را به ترتیب ذیل می‌توان برشمرد:

**توجه همه جانبه به تمام زمینه‌های حقوق بشر:** این رهیافت به همه زمینه‌های حقوق بشر اهم از سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه دارد و به یک سلسله حقوق تضمین شده بین‌المللی مانند حق بهداشت، آموزش، مسکن، دسترسی به عدالت قانونمند، امنیت شخصی، مشارکت سیاسی و ... توجه می‌کند؛ ضمن آنکه سه اصل پذیرفته شده تفکیک‌ناپذیری، وابستگی متقابل و جهانی بودن، اسکلت‌بندی این حقوق را شکل می‌دهد. توجه همه جانبه به تمام زمینه‌های حقوق بشر باعث می‌شود که خला‌های مباحث و اقدامات عملی تحت پوشش قرار بگیرد.

**پاسخگویی و محاسبه‌پذیری:** رهیافت حق محوری برافزایش سطح پاسخگویی عاملان توسعه و محاسبه پذیر بودن دستاوردهایش برای مدعیان آن تکیه دارد. در این راستا هم به تعهدات مثبت عاملان توسعه مانند ترویج، حمایت و فراهم ساختن امکانات می‌نگرد و هم به تعهدات آن‌ها برای پیشگیری از نقض حقوق بشر اهمیت می‌دهد؛ همچنین سلسله‌ای از عوامل مرتبط مانند افراد، دولت‌ها، سازمان‌های محلی و کارگزاران شرکتهای خصوصی، سازمان‌های امدادرسان و کارگزاری‌های بین‌المللی نیز در نظر گرفته می‌شود. این رهیافت در جستجوی توسعه قوانین مناسب، سیاست‌ها، نهادها، فرایندها و سازوکارهای حمایت از پاسخگویی و محاسبه‌پذیری فرایند توسعه است. روشن است که مسئولیت اولیه این امر در نظام حقوق بشر بین‌المللی با دولت‌هاست ولی جامعه بین‌المللی هم وظیفه دارد برای فراهم کردن همکاری بین‌المللی در میان آنان بکوشد و در رفع محدودیت‌های منابع و ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه کوشا باشد

**توانمندسازی رهیافت مبتنی بر حق:** به استراتژیها برای توانمندسازی، بیش از فعالیت‌های خیریه توجه دارد. به هر دو طرف توسعه، یعنی صاحبان حق، مدعیان و کارگزاران توسعه تأکید می‌نماید که به فرد انسان به عنوان محور فرایند توسعه توجه شود و در جهت افزایش قدرت، ظرفیت و توانایی مردم برای دگرگونی در زندگی شان اقداماتی صورت گیرد تا بتوانند بر سرنوشت خود تأثیرگذار باشند. به خصوص در این میان توانمندسازی زنان با توجه به تبعیض تاریخی علیه آنان دارای اهمیت ویژه ای است

**مشارکت:** رهیافت حق محوری میزان بالایی از مشارکت را از همه سطوح جامعه طلب می‌کند. مطابق اعلامیه حق توسعه این مشارکت باید فعال، آزاد و معنادار باشد و فقط مشارکت شکلی و تشریفاتی کافی نیست. مشارکت از نظر حیثه در همه عرصه‌های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نفوذ دارد. میتوان گفت در این عرصه‌ها و در اغلب موارد ارادی و داوطلبانه بودن، ویژگی اصلی کنش مشارکتی است. البته آنچه را که به اراده انسان به مشارکت شکل و جهت می‌دهد، میتوان رفع نیازمندی‌ها یا کسب منافع شخصی و گروهی یا منشأ گرفته از معتقدات و نظام ارزش‌های یک فرد یا جمع دانست. البته توجه به ویژگی زمینه پایه مشارکت نیز در جای خود حائز اهمیت است. هر جامعه‌ای به تناسب

فرهنگ و نظام اعتقادی حاکم و شایع در آن پیشران‌های متفاوتی برای ایجاد انگیزه و پایدارسازی مشارکت دارد (قیصری، ۱۳۹۸: ۳۷).

**عدم تبعیض و توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر:** یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های توسعه حق محور، توجه خاص به اصول عدم تبعیض، مساوات و انصاف است که گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان، اقلیت‌ها، بومیان، زندانیان، کارگران مهاجر و... به عنوان اهداف اصلی اجرای این موازین مورد توجه اند. اگرچه موانع و چالش‌های فراوانی در این مسیر کار را مشکل می‌سازد که از جمله می‌توان به پیچیدگی‌های فرهنگی جوامع، سابقه تاریخی تبعیض نسبت به برخی گروه‌ها، آثار استعمار، شرایط پس از منازعات قومی و... اشاره کرد. البته در جهت رفع با کاهش تبعیض‌ها در فرایند توسعه حق محور موارد ذیل را باید در نظر داشت:

- مشخص کردن افراد مدعی حق، بهره‌وران و همچنین کارگزاران توسعه و نوع ارتباط آن‌ها در تمام سطوح جامعه؛
  - تجزیه و تحلیل عوامل مهم عدم تحقق حقوق بشر؛
  - بررسی و ارزیابی شکاف بین خواسته‌ها و امکانات واقعی جامعه؛
  - نظارت و ارزیابی فرایندها و نتایج توسعه بر اساس موازین بین‌المللی حقوق بشر از سوی نهادهای ملی و بین‌المللی.
- البته باید گفت که اولاً رهیافت حق محوری هنوز در حال تکوین است و باید از طریق تبادل تجربیات در تبیین بهتر و اجرای عملی آن کوشید. ثانیاً رهیافت حق محور، تحقق حقوق بشر را تضمین نمی‌کند بلکه تحقق آن را طلب می‌کند. تحقق حقوق بشر آسان نیست و برای آن باید ظرفیت لازم وجود داشته باشد. ثالثاً اجرای توسعه حق محور نیازمند بهبود سازوکارهای موجود، گسترش چهار چوبهای قانونی و اجرای آن است (خرازی، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۲).

### رابطه توسعه و حقوق بشر

در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل اعلامیه حق توسعه را تصویب کرد که اگرچه از وضعیت الزام آور قانونی برخوردار نیست، اما اغلب به عنوان یک دیدگاه کل‌نگر در نظر گرفته می‌شود که حقوق مدنی و سیاسی و همچنین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را یکپارچه می‌کند و تعادلی بین ایجاد می‌کند. مسئولیت‌های ملی و بین‌المللی حقوق بشر دولت‌ها. در حالی که حق توسعه در طول سالیان متمادی منبع اختلافات بین کشورهای عضو بوده است، اجماع در اعلامیه و برنامه اقدام وین در سال ۱۹۹۳ حاصل شد که بیان می‌دارد که حق توسعه یک حق جهانی و غیرقابل انکار و یک حق جدایی‌ناپذیر است. بخشی از حقوق اساسی بشر است. " (TWN, 2021) برخی از سازمان‌های غیردولتی اعلامیه حق توسعه را بسط مفید اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ می‌دانند زیرا حمایت و ارتقای حقوق بشر را در چارچوب اقتصاد جهانی شده قرار می‌دهد و تاکید بیشتری بر نظام اقتصادی بین‌المللی دارد. برخی دیگر رویکرد کل‌نگر آن را به حقوق بشر در تئوری جذاب می‌دانند، اما می‌گویند گفتمان بین‌دولتی مرتبط با حق توسعه در «موضوع سیاسی» آنقدر فلج شده است که به‌طور واقع‌بینانه انتظار داشته باشیم که اصول کلی آن به تغییرات عملی سیاست تبدیل شود. برخی دیگر خاطر نشان می‌کنند که اختلافات کمتری بین دولت‌ها نسبت به گذشته وجود دارد (Ibid)

در سطح واقعی یا ماهوی، می‌توان تلاقی حقوق بشر و توسعه را در گستره وسیعی از وظایف، فعالیت‌ها و سیاست‌های آژانس‌های توسعه و موسسات مالی بین‌المللی (IFI) شناسایی کرد که با مفاد مادی معاهدات حقوق بشر، به‌ویژه، همپوشانی دارند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) و همچنین میثاق‌های منشور اجتماعی اروپا (۱۹۶۱)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، پروتکل سان سالوادور (۱۹۸۸)، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۸۱) و منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا (EU) (۲۰۰۱). پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه در حال حاضر گستره‌ای از توسعه اجتماعی و انسانی را پوشش می‌دهند که بیشتر آن‌ها رابطه مستقیمی با حقوق اصلی اقتصادی و اجتماعی دارند و به تعدادی از حقوق مدنی و سیاسی مرتبط هستند. موسسات توسعه طیف وسیعی از عملیات را در زمینه‌های بهداشت، آموزش، کار و تامین اجتماعی، کودکان و جوانان و غذا انجام می‌دهند. آن‌ها به طور فزاینده‌ای برنامه‌های حکومت‌داری، استراتژی‌های مبارزه با فساد و همچنین اصلاحات عدالت و فعالیت‌های حاکمیت قانون را ترویج می‌کنند. با این حال، در حالی که تطابق اساسی زیادی وجود دارد، این «همپوشانی واقعی» به طور خودکار با تمام اهداف چنین عملیاتی و معاهدات مطابق حقوق بشر همسو نمی‌شود. چنین فعالیت‌هایی نمی‌تواند منعکس‌کننده یا ترویج تحقق حقوق بشر باشد، زیرا تعداد کمی از حقوق بشر در طرح‌ها و اهداف آن‌ها مرجع یا جریان اصلی هستند. علاوه بر این، چنین فعالیت‌هایی معمولاً هیچ تأثیری بر حقوق بشر ندارند - ارزیابی اینکه آیا آنها در واقع از حقوق بشر حمایت می‌کنند یا منجر به آسیب به حقوق بشر می‌شوند (MCINERNEY-LANKFORD, 2009:3). به‌رحال توسعه یک حق انسانی است که متعلق به همه افراد به صورت فردی و جمعی است. اعلامیه پیشگامانه سازمان ملل در مورد حق توسعه که در سال ۱۹۸۶ اعلام شد، بیان می‌کند که هر کس حق دارد در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شرکت کند، در آن مشارکت کند و از آن بهره‌برد که در آن تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌تواند به طور کامل تحقق یابد. عناصر اصلی حق توسعه به شرح زیر است:

- توسعه مردم محور. اعلامیه «شخص انسانی» را به عنوان موضوع اصلی، مشارکت‌کننده و ذینفع توسعه معرفی می‌کند (ماده ۲).
- رویکرد مبتنی بر حقوق بشر اعلامیه اینجا می‌کند که توسعه به گونه‌ای انجام شود که «در آن تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بتوان به طور کامل تحقق یابد» (ماده ۱).
- مشارکت. اعلامیه بر «مشارکت فعال، آزاد و معنادار» افراد و جمعیت‌ها در توسعه پافشاری می‌کند (ماده ۲).
- انصاف. اعلامیه بر اهمیت «توزیع عادلانه منافع» توسعه تأکید می‌کند (ماده ۲).
- عدم تبعیض اعلامیه هیچ تمایز از نظر نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب را مجاز نمی‌داند (ماده ۶).
- خود مختاری. اعلامیه مستلزم تحقق کامل حق تعیین سرنوشت مردم، از جمله حاکمیت کامل بر ثروت و منابع طبیعی آن‌هاست (ماده ۱). (Ohchr, 2021).

## تحول در ماهیت رابطه توسعه و حقوق بشر

امروزه حقوق بشر شامل زندگی، آزادی و امنیت شخصی است. آزادی مذهب، اندیشه، بیان سیاسی، جنبش، اجتماعات، بیان و تشکیلات؛ روند قانونی، آموزش، اشتغال، بهداشت، مالکیت اموال، حفظ فرهنگی؛ حق ازدواج و تشکیل خانواده؛ و آزادی از تبعیض، مجازات ناعادلانه، آزار و اذیت، ظلم و ستم. مفهوم مدرن حقوق بشر طی سه قرن توسعه یافت. در قرن هفدهم و هجدهم مفهوم حقوق طبیعی پدید آمد. حقوق طبیعی تابع هیچ نظام سیاسی، قانونی و مذهبی نیست. آن‌ها حقوق مسلمی هستند که انسان از بدو تولد از آن برخوردار است. اعلامیه استقلال (۱۷۷۶) شاید به بهترین وجه حقوق طبیعی را این گونه خلاصه کرد: "همه انسانها برابر آفریده شده‌اند که توسط خالق خود دارای حقوق مسلمی هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی اشاره کرد." مفهوم حقوق طبیعی در طول انقلاب آمریکا و فرانسه در اواخر قرن هجدهم محبوبیت پیدا کرد. هر دو کشور تلاش کردند تا دولت‌های نماینده جدیدی را ایجاد کنند که به بهترین نحو حقوق طبیعی شهروندان را ارتقا دهد. هر دو کشور بیانیه‌های حقوقی هم‌زمان ارائه کردند - فرانسه، اعلامیه حقوق بشر و شهروندان و قانون اساسی ایالات متحده و منشور حقوق (هر دو در این فصل گنجانده شده است). این اسناد پایه و اساس مفهوم مدرن حقوق بشر را فراهم می‌کند. با این حال، اعلامیه حقوق بشر و شهروندان و منشور حقوق همه حقوق طبیعی را به همه افراد تعمیم نداد. برده‌داری و بردگی مشروط در ایالات متحده نوپا ادامه یافت و هیچ یک از کشورها حقوق کامل را به زنان یا جمعیت‌های بومی تعمیم ندادند.

مفهوم حقوق بشر آن گونه که اکنون درک می‌شود در قرن بیستم پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۸-۱۹۴۵) ظهور کرد. سازمان ملل متحد تازه تأسیس که از وحشت جنگ خشمگین شده بود، به موضوعاتی مانند شکنجه، جنگ علیه غیرنظامیان، رفتار با اسیران جنگی و محاکمه جنایتکاران جنگی پرداخت و قوانین جدیدی را برای جنگ وضع کرد که از حقوق اولیه محافظت می‌کرد... در سال ۱۹۴۸، کشورهای عضو سازمان ملل متحد پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل را تهیه کردند. از زمان تصویب این اعلامیه، سازمان ملل متحد، دولت‌های ملی و سازمان‌های مستقل برای پیشبرد، ترویج و اجرای حقوق بشر در سراسر جهان تلاش کرده‌اند (Encyclopedia, 2021). مدل توسعه پس از جنگ جهانی دوم بر رشد و توسعه در سطح کلان اقتصادی متمرکز بود. امروزه ما شاهد گسترش اصطلاح توسعه هستیم تا دیدگاهی در سطح خرد متمایز را شامل شود که رفاه فردی را نیز در نظر می‌گیرد. این مؤلفه فردی ارتباط تنگاتنگی با شناخت نقش ابزاری مشارکت فردی و انتخاب برای توسعه دارد و تأکید می‌کند که توجه ویژه باید به گروه‌های محروم و به حاشیه رانده‌شده‌تر شود. علاوه بر این، ظهور «حکمرانی خوب» در اواخر دهه ۱۹۸۰ نشان دهنده آگاهی فزاینده‌ای است که توسعه از نظر اقتصادی را نمی‌توان از ظرفیت‌سازی و ملاحظات نهادی در زمینه سیاسی جدا کرد. این ادراکات در حال تغییر در نهایت راه را برای افزایش توجه به رابطه بین توسعه اقتصادی و حکومت دموکراتیک و همچنین برای افزایش نقش حقوق بشر به عنوان ابزار و هدف توسعه هموار کرد (Humanrights, 2021).

در حال حاضر مهم‌ترین مؤلفه‌های آنچه را می‌توان حق بشر برای توسعه نامید، تشکیل می‌دهد. عبارتند از: آزادی بیان و آزادی سازمان، حق مشارکت در امور عمومی، حق کار و استانداردهای کار منصفانه، حق برخورداری از استانداردهای

مناسب زندگی، آموزش و پرورش و زندگی فرهنگی و حق برخورداری از چنین اجتماعی و بین‌المللی. نظمی که در آن تمامی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به طور کامل تحقق یابد. با توجه به جنگ سرد بین شرق و غرب، سرانجام در سال ۱۹۶۶، دو معاهده حقوق بشر جهانی به تصویب رسید، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (در حال حاضر با ۱۷۰ دولت عضو) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (در حال حاضر با ۱۱۳ دولت عضو). هر دو معاهده سنگ بنای اساسی حقوق بشر برای توسعه هستند. برای مثال حق کار و شرایط کار منصفانه، حق برخورداری از استانداردهای زندگی مناسب، حق آب و غذا، حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، حق آموزش و حق هویت فرهنگی را تدوین می‌کند. آزادی و حقوق مشارکت میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پایه و اساس ضروری حق توسعه را تشکیل می‌دهد. به‌هرحال، بدون آزادی مردم و مشارکت برابر در جامعه، توسعه نمی‌تواند رشد کند. یا به قول آمارتیا سن «بدون آزادی هیچ توسعه‌ای وجود ندارد» (Schrijver, 2020).

هنگامی که رابطه متقابل بین حقوق بشر و همکاری توسعه در دهه ۱۹۷۰ برقرار شد، پیوند بین این دو مفهوم اغلب با بحث‌هایی در مورد قطع کمک به کشوری که دولت آن حقوق بشر را به شدت نقض می‌کرد و جنبه تنبیهی پیوند ظاهر می‌شد، مرتبط بود. در افکار عمومی غالب شود. اکثر اهداکنندگان تجارب مربوط به برداشتن کمک‌ها را داشته‌اند؛ و ترویج فعال حقوق بشر از طریق، برای مثال، کمک به قوه قضائیه یا نهادهای حقوق بشری، می‌تواند به عنوان مداخله در امور داخلی تعبیر شود. در طول دهه ۱۹۸۰، رابطه بین حقوق بشر و همکاری توسعه شکل دیگری به خود گرفت. استفاده از همکاری توسعه برای ارتقای حقوق بشر از طریق، به عنوان مثال، حمایت بیشتر از دموکراتیزه کردن دولت‌ها، حمایت از سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشری یا همکاری غیرمتمرکز، مورد توجه روزافزون قرار گرفت. به تدریج، حقوق بشر به بخشی از گفتگو بین اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان تبدیل شد. یکی از اولین اسنادی که به طور رسمی این پیوند را ایجاد کرد و سیاست در حال ظهور حقوق بشر را تأیید کرد، کنوانسیون لومه بین اتحادیه اروپا و کشورهای شریک آن در آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام بود (امضا در ۱۹۸۴). حقوق بشر در مقدمه کنوانسیون ذکر شده و در اعلامیه‌های مشترک ضمیمه آن بیشتر توضیح داده شده است. تغییرات چشمگیر در اروپای مرکزی و شرقی در سال ۱۹۸۹ بر دیدگاه دولت‌ها در مورد رابطه بین حقوق بشر و توسعه پایدار تأثیر گذاشت و رویکردی را ایجاد کرد که در آن فرد در مرکز قرار گرفت و به قهرمان اصلی و ذینفع توسعه تبدیل شد. این اعتقاد ظاهر شد که در درازمدت، احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، کثرت‌گرایی سیاسی و نهادهای سیاسی موثر و پاسخگو اساس همه توسعه و توزیع عادلانه را تشکیل می‌دهند (Humanrights, 2021).

قبل از سال ۱۹۹۷، اکثر آژانس‌های توسعه سازمان ملل متحد رویکرد «نیازهای اساسی» را دنبال می‌کردند: آن‌ها نیازمندی‌های اساسی ذینفعان را شناسایی می‌کردند و یا از ابتکارات برای بهبود ارائه خدمات حمایت می‌کردند یا از برآورده شدن آن‌ها حمایت می‌کردند. صندوق جمعیت ملل متحد و شرکای آن اکنون به جای نیازهای ذینفعان، برای احقاق حقوق مردم تلاش می‌کنند. این یک تمایز مهم است، زیرا یک نیاز برآورده نشده منجر به نارضایتی می‌شود، در حالی که حقی که رعایت نشود منجر به نقض می‌شود. جبران خسارت یا غرامت می‌تواند به طور قانونی و مشروع ادعا



شود. رویکرد مبتنی بر حقوق بشر همچنین به دنبال تقویت ظرفیت‌های متولیان وظیفه (معمولاً دولت‌ها) برای احترام، حمایت و تضمین این حقوق است. هدف آن پرداختن به پیچیدگی‌های توسعه به‌طور جامع؛ با در نظر گرفتن ارتباطات بین افراد و سیستم‌های قدرت یا نفوذ است؛ و تلاش می‌کند تا پویایی پاسخگویی را ایجاد کند (Unfpa, 2014).

حقوق بشر ممکن است محدود به تأمین نیازهای همه انسانها برای امرار معاش فیزیکی باشد؛ اما این امرار معاش شامل درجه معینی از حداقل آسایش فراتر از صرفاً کار کردن اعضای بدن است، زیرا معیشت انسان نیز شامل توانایی عملکرد است. طرفداران سایر رویکردهای حقوق بشر نیازهای معیشتی را به عنوان یک پایه بسیار باریک رد کرده‌اند، اما این انتقاد ممکن است پیامدهایی را که از طیف نیازهای انسانی ناشی می‌شود، توجیه نکند. حقوق بشر تأمین غذا، پوشاک و سرپناهی را تضمین می‌کند که بدون آن هر کسی از بین می‌رود. علاوه بر این، مراقبت‌های بهداشتی اولیه بقای انسان را تضمین می‌کند. در دیدگاه سوسیالیستی گسترده، کار باید برای همه کسانی که توانایی دارند تضمین شود. در یک دیدگاه محدودتر، آموزش لازم برای به دست آوردن کار موردنیاز برای حفظ خود یک حقوق بشر است؛ بنابراین، حقوق بشر می‌تواند مجموعه وسیع و بسیار پرهزینه‌ای از برنامه‌های رفاه اجتماعی را پوشش دهد. اگر دولت‌ها برنامه‌های رفاهی را به عنوان حقوق اساسی بشر به‌طور جدی مورد توجه قرار دهند، اصلاحات اساسی در اکثر نظام‌های سیاسی رخ می‌دهد. به راحتی می‌توان دامنه حقوق بشر را به سایر مزایای مربوط به نیروی کار گسترش داد (Heard, 1997).

### ارزیابی رابطه متقابل توسعه و حقوق بشر

بین حقوق بشر و توسعه وابستگی متقابل و تقویت‌کننده متقابل وجود دارد زیرا اولاً، توسعه ابزاری برای دستیابی به حقوق بشر است در حالی که به عنوان حقوق بشر مطرح می‌شود. دستیابی به حقوق بشر مستلزم حمایت از توسعه اقتصادی است در حالی که توسعه اقتصادی و اجتماعی زمینه را برای دستیابی عمومی به حقوق بشر فراهم می‌کند. تنها از طریق توسعه است که می‌توانیم به طور کامل به حقوق استانداردهای زندگی مناسب، امنیت اجتماعی و آموزش دست‌یابیم. حقوق بشر بدون توسعه به طور کامل محقق نمی‌شود؛ اما توسعه به طور خودکار باعث دستیابی به حقوق بشر نخواهد شد. تنها با تعریف حقوق بشر به عنوان هدف اساسی توسعه می‌توان به فرآیند تحقق حقوق بشر تبدیل شد و به آن دست یافت.

دوم اینکه حقوق بشر محتویات قطعی توسعه است. نکته‌ای که در اینجا بر آن تأکید می‌شود این است که تنها زمانی که توسعه مبتنی بر حقوق بشر باشد، می‌تواند واقعاً پایدار شود و با سعادت بشر منطبق باشد. نکته‌ای که در اینجا بر آن تأکید می‌شود، مفاهیم زیر را در برمی‌گیرد: اول، انسان موضوع اصلی توسعه است؛ بنابراین سیاست توسعه باید انسان را به عنوان مشارکت‌کننده و ذینفع اصلی توسعه تبدیل کند. دوم، توسعه مبتنی بر ویژگی‌های حقوق بشری که عدالت اجتماعی را وارد فرآیند توسعه می‌کند، در حالی که از سوی دیگر توسعه جدا از حقوق بشر، پدیده‌ای ناعادلانه ایجاد می‌کند که در آن ثروتمندان ثروتمندتر و فقیرتر فقیرتر می‌شوند. توسعه ناعادلانه در نهایت برای بشر ویرانی ایجاد می‌کند. از این رو، توسعه فقط رشد ثروت مادی نیست، بلکه فرآیند تحقق و توسعه حقوق بشر است که به‌نوبه خود توسعه را شخصی‌تر می‌کند.



سوم، حقوق بشر هسته اصلی توسعه است. اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد تصریح کرده است که اهداف اصلی که تا سال ۲۰۱۵ باید محقق شوند، اهداف حقوق بشر هستند:

الف. ریشه کن کردن فقر شدید و گرسنگی.

ب. دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی.

ج. ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان.

د. کاهش نرخ مرگ و میر کودکان و غیره.

این شاخص‌های مهم حقوق بشر هسته اصلی اهداف توسعه هزاره را تشکیل می‌دهند. حقوق بشر مفهوم توسعه را غنی کرد. استانداردهای ارزیابی مختلفی برای توسعه وجود دارد. استاندارد حقوق بشر با سایر استانداردها از این جهت متفاوت است که بر عدالت توسعه تأکید می‌کند، حمایت از توسعه باید از حقوق همه بر اساس برابری حمایت کند به جای اینکه صرفاً به دنبال منافع افراد منزوی یا اقلیت در نقض اصول حقوق بشر باشد. چنین معیار ارزیابی غیر قابل جایگزینی است. می‌تواند سایر موارد را مهار و متعادل کند. حقوق بشر اهداف توسعه و همچنین استاندارد ارزیابی را فراهم می‌کند. توسعه جدا از حقوق بشر به سختی می‌تواند عادلانه باشد. وقتی توسعه از پویایی‌های رادیکال خالی شود، نمی‌توانیم چیزی از توسعه پایدار بگوییم (Xiaoling, 2009).

بسیاری از چارچوب‌ها و بیانیه‌های سیاست سازمان ملل به اسناد حقوقی بین‌المللی به عنوان منبع حقوق بشر در توسعه یا به عنوان چارچوب راهنمای کلی برای همکاری بین‌المللی اشاره می‌کنند. این در گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ «در آزادی بیشتر» منعکس شد که بر روابط متقابل امنیت، توسعه و حقوق بشر تأکید داشت. همکاری‌های توسعه، سیاست‌ها و کمک‌های فنی با تحقق حقوق بشر نیز در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی مقرر شده است (Ibid:63).

## جمع بندی

حقوق بشر اساسی ترین و ابتدایی ترین حقوقی است که هر فرد به طور فطری انسان است و میخواید حمایت خود و نفس باشد و آب روی و اعتبار حفظ کند و همچنین از جایگاه اجتماعی و سیاسی مهمی برای مردم و حکومت ها به دنبال دارد و این مطالب یا اهداف مطابق مستندات یا مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی است این حقوق ویژگی های همچون جهان شمول بودن، سلب ناشدنی، عدم تبعیض و برابری طلبی است و نیز مبارزه هر چیزی از عناوین نژاد، ملیت، جنسیت و غیره است؛ بنابراین، حقوق بشر مجموعه ای از حقوق و امتیازاتی است که همه انسانها صرف به خاطر انسان بودن خود از آنها برخوردار اند و هیچ یک از تعلقات آنها باعث سلب یا محدودیت این حقوق نمی گردد، زیرا انسانها برابر زاده می شوند و در حیثیت انسانی و کرامت خود نیز با همدیگر برابرند.

توسعه به عنوان فرآیندی برای تحقق همه حقوق و آزادی های اساسی تعریف شده است توسعه فرآیندی همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبود مستمر رفاه کل جمعیت و همه افراد بر اساس اقداماتشان، مشارکت آزادانه و معنادار در توسعه و توسعه است با توجه به اینکه از بین بردن نقض گسترده و آشکار حقوق بشر مردم و افراد متأثر از شرایطی مانند استعمار، استعمار نو، آپارتاید، انواع نژادپرستی و تبعیض نژادی، سلطه و اشغال خارجی، تجاوز و تجاوز، تهدید علیه حاکمیت ملی، وحدت ملی و تمامیت ارضی و تهدید به جنگ به ایجاد شرایط نامساعد برای توسعه اثر می گذارد بنابراین نگرانی از وجود موانع جدی بر سر راه توسعه و نیز تحقق کامل انسانها و مردم که از جمله با نفی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است منجر به آن می شود که برخی بیان بدارند که حقوق بشر و توسعه غیرقابل تفکیک بوده و به منظور ارتقای توسعه، باید به اجرا، ارتقا و حمایت از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه مساوی و توجه فوری مبذول شود و بر این اساس، ارتقاء احترام و برخورداری از برخی حقوق بشر رابطه معناداری با بحث توسعه نیز دارد. برنامه توسعه ملل متحد کشورها را تشویق می کند تا برنامه ها و سیاست های توسعه ملی خود را در زمینه حقوق به ویژه با تمرکز بر اصول عدم تبعیض، مشارکت و مسئولیت پذیری اجرا کنند. در رابطه توسعه و حقوق بشر باید گفت اولاً، انسان موضوع اصلی توسعه و حقوق بشر است؛ بنابراین سیاست توسعه و حقوق بشر باید انسان را به عنوان مشارکت کننده و ذینفع اصلی بداند. دوم، حقوق بشر و توسعه مبتنی بر عدالت اجتماعی هستند و بنابراین توسعه جدا از حقوق بشر، پدیده ای ناعادلانه ایجاد می کند، همچنین حقوق بشر و توسعه ابزاری برای دستیابی به سعادت جامعه و پاسخ به نیازهای فطری و اجتماعی بشری است. حمایت از توسعه باید همراه با حمایت از حقوق بشر باشد تا صرفاً به دنبال منافع افراد یا اقلیت خاصی نباشد؛ بنابراین بین حقوق بشر و توسعه وابستگی متقابل و تقویت کننده متقابل وجود دارد.

- خدیمی، مسعود؛ فعال، علی (۱۴۰۰)، جستاری بر مبانی و مفهوم حقوق بشر، فصلنامه مطالعات علم حقوق، سال اول؛ شماره اول، بهار ۱۴۰۰، صص ۱-۱۳
- خرازی، فرزین (۱۳۸۶)، حق توسعه پلی میان حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل توسعه، پایان نامه ارشد رشته حقوق بشر دانشگاه علامه طباطبایی، تابستان ۱۳۸۶
- رضایی نژاد، ایرج (۱۳۸۷)، تأملی بر مفهوم حق بر توسعه، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۰، زمستان ۸۷، صص ۳۳-۱۱
- ساجدی، امیر (۱۳۹۵)، حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت‌های اسلامی خاورمیانه با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۶، شماره پیاپی ۳۶، پاییز ۱۳۹۵.
- عباس زاده مرزبالی، مجید (۱۳۹۹)، نگاهی به مفهوم توسعه و بُعد سیاسی آن، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱-۳۱
- قیصری، نوراله (۱۳۹۸)، مشارکت اجتماعی؛ معنا کاوی یک مفهوم راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۳۱-۵۹
- موسوی رکعتی، سید سیاوش (۱۳۹۹)، واکاوی جامعه‌شناختی پارادایم‌های توسعه‌نیافتگی ایران در دوره‌ی قاجار، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۹، صص ۹۵-۱۲۲

Encyclopedia. (۲۰۲۱). Introduction To Development Of Human Rights:

<https://www.encyclopedia.com/history/legal-and-political-magazines/introduction-development-human-rights>

Flowers, N. (۲۰۲۱). A Short History of Human Rights:

<http://hrlibrary.umn.edu/edumat/hreduseries/hereandnow/Part-1/short-history.htm>

Heard, A. (۱۹۹۷). HUMAN RIGHTS: <https://www.sfu.ca/~aheard/intro.html>

Humanrights. (۲۰۲۱). HUMAN RIGHTS AND DEVELOPMENT:

<https://www.humanrights.is/en/human-rights-education-project/human-rights-concepts-ideas-and-fora/human-rights-in-relation-to-other-topics/human-rights-and-development>

MCINERNEY-LANKFORD, S. N. (۲۰۰۹). Human Rights and Development: a Comment on Challenges and Opportunities from a Legal Perspective. *Journal of Human Rights Practice*, Human Rights and Development: a Comment on Challenges and Opportunities from a Legal Perspective.

Ohchr. (۲۰۲۱). Development and human rights:

<https://www.ohchr.org/EN/Issues/Development/Pages/DevelopmentHumanRights.aspx>

Schrijver, N(jun 11,2020), A new Convention on the human right to development: Putting the cart before the horse?:

<https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/0924051920924547>

TWN .(۲۰۲۱) .HUMAN RIGHTS APPROACHES TO DEVELOPMENT:

<https://www.twn.my/title/hrdev-cn.htm>

Unfpa ,۲۰۱۴) .nov 24 .The Human Rights-Based Approach:

<https://www.unfpa.org/human-rights-based-approach>

Xiaoling, Z ,۲۰۰۹) .OCT 09 .(On Relations between Human Rights and Development:

[http://www.china.org.cn/china/human\\_rights/2009-10/29/content\\_18792599.htm](http://www.china.org.cn/china/human_rights/2009-10/29/content_18792599.htm)